



باز تولید هویت اجتماعی^۱

درس ششم

هویت اجتماعی چگونه شکل می‌گیرد و تداوم می‌یابد؟

در یک کندوی زنبور عسل چندین گروه زنبور وجود دارد. هر گروه به صورت غریزی^۲ وظایف خود را انجام می‌دهد. آیا انسان‌ها نیز به صورت غریزی فعالیت‌های گروهی و جمعی خود را انجام می‌دهند؟ انسان برخلاف موجودات دیگر، به صورت غریزی نمی‌داند چه موقعیتی در جامعه دارد و در این موقعیت چه وظایفی بر عهده اوست. انسان باید موقعیت خود را بشناسد، حقوق و تکالیف خود را یاد بگیرد و با عمل به آنها، هویت اجتماعی خود را شکل دهد.

به نظر شما، انسان‌ها چگونه به جایگاه اجتماعی خود پی‌می‌برند و هویت اجتماعی افراد چگونه شکل می‌گیرد؟

۱- به معنای انتقال هویت از نسلی به نسل دیگر است به گونه‌ای که علی‌رغم گذر زمان و پذیرش تغییرات، ویژگی‌های اساسی آن پایدار می‌ماند و دوام می‌آورد.

۲- غریزه، کششی درونی در موجود زنده است که آن را به انجام دادن رفتارهای معینی و می‌دارد. به این معنا که موجود زنده از بدو تولد معلومات و مهارت‌هایی غیراکتسابی دارد که قابلیت دستکاری و تغییر چندانی ندارد. از این‌رو خلاقیت و تنوعی در شیوه زندگی آنها به وجود نمی‌آید.

هر فرد در جامعه‌ای متولد می‌شود که نسل‌های قبل از او آن را ساخته‌اند. این جامعه پس از تولد فرد، بخشی از هویت اجتماعی او را تعیین می‌کند؛ یعنی آن فرد را به عنوان یکی از اعضای خود به رسمیت می‌شناسد و برای او ویژگی‌هایی متناسب با موقعیتی که در آن قرار گرفته است، در نظر می‌گیرد. در این زمینه می‌توان به صدور شناسنامه برای نوزادان اشاره کرد.

هر جامعه‌ای برای بقا و تداوم، عقاید، ارزش‌ها و شیوه زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جامعه، این عقاید و ارزش‌ها و هنجارها را می‌آموزد، شیوه زندگی در جامعه را فرامی‌گیرد و به تدریج، با موقعیتش در جامعه و حقوق و تکالیفی که بر عهده دارد، آشنا می‌شود. فرد با آموزش‌های اساسی و ماندگاری که در خانواده می‌بیند، اولین و مهم‌ترین آشنایی‌ها را با جامعه‌ای که در آن متولد شده است، پیدا می‌کند. مدرسه، مسجد، مجالس علمی و مذهبی، گروه‌های همسالان و رسانه‌های جمعی از دیگر عوامل آشنایی افراد با جامعه‌ای هستند که در آن زندگی می‌کنند.

به فرایندی که هر فرد برای مشارکت در زندگی اجتماعی دنبال می‌کند و مسیری که برای شکل دادن به هویت اجتماعی افراد طی می‌شود، «جامعه‌پذیری» می‌گویند.



■ خانواده، مدرسه، مسجد و رسانه‌های جمعی از عوامل آشنایی افراد با جامعه هستند.

فرایند جامعه‌پذیری همواره با موفقیت همراه نیست و ممکن است برخی افراد به طور کامل جامعه‌پذیر نشوند. در آن صورت جامعه برای استمرار و تداوم خود چه می‌کند؟ ممکن است برخی انسان‌ها هویتی را که جامعه برای آنها در نظر گرفته است، نپذیرند و همواره افرادی هستند که از پذیرش عقاید و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی سرباز می‌زنند، به حقوق و تکالیف خود پایبند نیستند، نقشی را که جامعه از آنها انتظار دارد، نمی‌پذیرند و رفتارهایی مخالف انجام می‌دهند.

به کنش‌هایی که برخلاف عقاید، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هستند، «کجروی اجتماعی» می‌گویند. آیا می‌توانید چند نمونه کجروی اجتماعی را بیان کنید؟

هر جامعه‌ای علاوه‌بر جامعه‌پذیری، برای پیشگیری از کجروی‌های اجتماعی و کنترل آنها، روش‌های «تبلیغ و اقناع»، «تسویق و پاداش» و «تنبیه و مجازات» را به کار می‌گیرد؛ یعنی می‌کوشد تا از طریق آموزش، افراد را قانع کند که عقاید و ارزش‌های جامعه را بپذیرند، به افرادی که مطابق ارزش‌ها و هنجارهای جامعه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهد و کسانی را که

دچار کجروی اجتماعی شده باشند، مجازات می‌کند.

به مجموعه فعالیت‌هایی که برای پذیرش فرهنگ جامعه و انطباق افراد با انتظارات جامعه انجام می‌گیرد، «کنترل اجتماعی» می‌گویند.



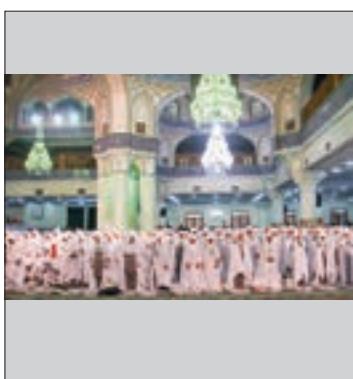
غبارروبی، عطرافشانی و گلباران مزار شهداء



روز بزرگداشت یاد سربازان و کشته شدگان جنگ در فرانسه



هر جامعه‌ای به افرادی که مطابق ارزش‌ها و هنجارهای آن جامعه عمل می‌کنند، پاداش می‌دهد و بدین طریق دیگران را هم ترغیب می‌کند که این عقاید و ارزش‌ها را بپذیرند.



برگزاری مراسم جشن تکلیف در مدارس

جامعه‌ای که روش‌های مناسبی برای کنترل اجتماعی نداشته باشد، در معرض آسیب‌های بیشتری قرار می‌گیرد و دوام و بقای آن تهدید می‌شود.

امر به معروف و نهی از منکر از جمله راهکارهای اسلام برای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی است.

امر به معروف و نهی از منکر در متن زندگی اجتماعی

در صدر اسلام، مسلمانان هنگام احوال پرسی و خدا حافظی، سوره عصر را تلاوت و این گونه یکدیگر را امر به معروف و نهی از منکر می کردند. ابتدا یکی از افراد بخشی از سوره را می خواند و فرد مقابل، آن را به پایان می رساند.

به نام خداوند بخشندۀ مهریان

قسم به عصر. که آدمی به راستی در زیان است. مگر آنان که ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند و یکدیگر را به رعایت حق سفارش کنند و یکدیگر را به استقامت و شکیبایی سفارش کنند.
(الدر المنشور فی التفسیر بالتأثر، عبدالرحمن سیوطی)

گفت و گو کنید

گاهی برخی پزشکان برخلاف هنجارهای پذیرفته شده عمل می کنند. برخی کجروی های پزشکی را نام ببرید و راهها و شیوه های پیشگیری و کنترل آن را بیان کنید.

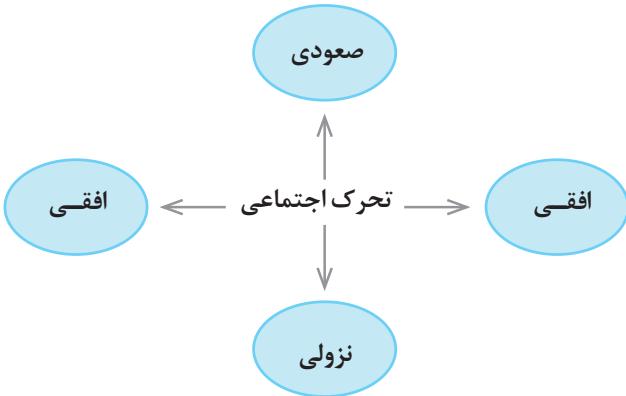
هویت اجتماعی چگونه تغییر می کند؟

آموختید که هویت اجتماعی یک فرد ممکن است در طول زندگی او تغییر کند. کسب هویت های اجتماعی جدید، با تغییراتی در موقعیت اجتماعی افراد همراه است؛ یعنی جایگاه فرد در جامعه یا یک گروه اجتماعی را تغییر می دهد. به نظر شما، این تغییرات موقعیتی چه انواعی می تواند داشته باشد؟

افراد در بدو تولد، هویت اجتماعی انتسابی خود را به صورت انفعالی (خودشان در آن نقشی ندارند) در محیط خانواده و... می پذیرند و به تدریج با فعالیت هایشان هویت اکتسابی خود را به دست می آورند و متناسب با هویت اجتماعی جدیدشان از موقعیت اجتماعی جدیدی برخوردار می شوند.

به جایه جایی افراد از یک موقعیت اجتماعی به موقعیت اجتماعی دیگر «تحرک اجتماعی» می گویند.

تحرک اجتماعی انواعی دارد: صعودی، نزولی و افقی.



کارمند یک اداره وقتی مدیر بخشی از آن اداره می‌شود یا مدیر یک بخش هنگامی که مدیر کل می‌شود، تحرک اجتماعی صعودی پیدا کرده است.

مدیر اداره وقتی از مدیریت عزل می‌شود و به صورت یک کارمند عادی به کار خود ادامه می‌دهد، تحرک اجتماعی نزولی پیدا کرده است.

اگر شخصی شغل خود را تغییر دهد اما شغل جدید، موقعیت اجتماعی او را تغییر ندهد، تحرک اجتماعی افقی دارد؛ مانند کارمندی که از یک بخش اداره به بخش دیگر منتقل می‌شود. آیا می‌توانید برای هر یک از انواع تحرک اجتماعی مثال‌های دیگری بزنید؟ در همه کشورها رتبه‌بندی مشاغل وجود دارد، ولی این رتبه‌بندی در همه جا یکسان نیست. برخی مشاغل در بعضی کشورها اهمیت بیشتری دارند و در بعضی از کشورها کم‌اهمیت‌ترند. علاوه بر این، باید به یاد داشته باشیم که موقعیت اجتماعی افراد صرفاً تابع مشاغل آنها نیست بلکه به عوامل دیگری مانند علم، ایمان، تقوا، هنر، مهارت و احترام نیز بستگی دارد. آیا می‌توانید به ملاک‌های دیگری اشاره کنید؟

تحرک اجتماعی گاه درون یک نسل؛ یعنی برای یک فرد در طول زندگی خودش و گاه در دو نسل؛ یعنی برای یک فرد نسبت به والدینش اتفاق می‌افتد.

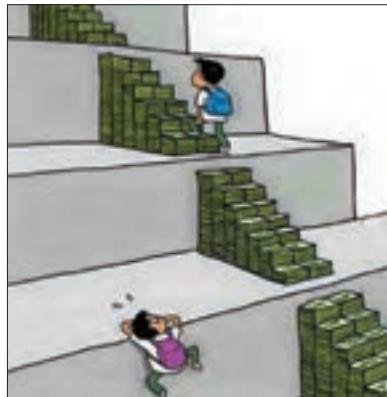
بخوانیم و بدانیم

گروه‌های شغلی یا حرفه‌ای، همواره یکی از گروه‌های اجتماعی مهم بوده‌اند. اعضای هر حرفه برای خود نوعی منشور اخلاقی داشته‌اند که دستورالعمل زندگی اعضای آن حرفه را نشان می‌دهد. در ایران «فتوت‌نامه‌ها» نوعی از این منشورهای شغلی بود. فتوت‌نامه عبارت بود از دستورالعمل‌هایی که اهل هر حرفه برای خود داشتند و به استناد آن، هم روابط میان اعضای

حرفه و هم روابط میان حرفه و جامعه را تعیین می کردند. از جمله آنها «فتوات نامه بنایان» بود که برخی از عبارات های آن به این شرح است:

اگر پرسند که چند اصل است، بنایی را، بگو که پنج اصل است. اول با طهارت بودن، دویم بر جاده راستی بودن، سیم با حیا بودن و نظر از غیر برداشتن، چهارم کم سخن گفتن، پنجم به ادب بودن نزد بزرگان.

اگر پرسند که چند حکم باشد بنایی را، بگو که ده حکم است. از علم دین باخبر باشد، باسخاوت و خیّر باشد، در کار خود استاد باشد و آنچه را که انجام دهد، چنان باشد که از برای خود نماید، با همه کس به خلق نیکو پیش آید، تنگ حوصله نباشد، فقیر دوست باشد و... برای آشنایی بیشتر با منشورهای شغلی، می توانید منشور اخلاقی پزشکان، معلمان و ... را مطالعه کنید.



■ این کارگران کارخانه آجرپزی در ایالت بیهار هند در کاست نجس‌ها به دنیا آمدند. وظایف معین و مشخصی توسعه جامعه بردوش آنها گذاشته می‌شود بی‌آنکه از فرصت‌های تحرکی که نظام‌های طبقاتی به افراد می‌دهند، برخوردار باشند.

به نظر شما، آیا اعضای یک جامعه می‌توانند هر نوع هوتیت اجتماعی را کسب کنند؟ فرصت‌های پیش‌روی افراد برای تحرک اجتماعی و کسب هویت‌های جدید در جوامع مختلف، یکسان نیست. هر جامعه‌ای به تناسب عقاید و ارزش‌های خود، برخی تحرک‌های اجتماعی و تغییرات هویتی را تشویق و برخی دیگر را منع می‌کند؛ برخی هویت‌ها را می‌پذیرد و برخی دیگر را نمی‌پذیرد. آیا می‌توانید مواردی را مثال بزنید؟



■ طرفداران تبعیض نژادی در قرن بیستم با اعلام اینکه «ما با سیاهان به یک مدرسه نخواهیم رفت» خواستار جدایی نژادی در مدارس شدند.

■ قانون ممنوعیت استفاده از حجاب در مدارس فرانسه، فرصت تحصیل و اشتغال را از زنان مسلمان با حجاب سلب می‌کند و مغایر شعار معروف انقلاب فرانسه «آزادی، برابری و برادری» است.

مثالاً جامعه‌ای که براساس ارزش‌های نژادی شکل می‌گیرد، صرفاً برای یک نژاد خاص امکان تحرک اجتماعی صعودی را فراهم می‌آورد.

جامعه‌ای که به ارزش‌های اقتصادی اهمیت و اولویت می‌دهد، تحرک اجتماعی صعودی را فقط برای کسانی که ثروت دارند، ممکن می‌سازد.

یک جامعه غیردینی، به هویت دینی و معنوی افراد اجازه بروز و ظهر اجتماعی نمی‌دهد. برای نمونه، می‌توان به جلوگیری از تحصیل دختران با حجاب در برخی جوامع غربی اشاره کرد. در یک جامعه دینی و معنوی نیز هویت‌هایی که ابعاد متعالی و الهی وجود انسان را نادیده بگیرند، به رسمیت شناخته نمی‌شوند.

بخوانیم و بدانیم

در جامعه سرمایه‌داری، مالکیت ثروت همراه با شغل از پایه‌های اساسی هویت‌یابی هستند. به همین دلیل، امروزه شغل اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است.

در اسلام برخی مشاغل مانند رباخواری و... حرام‌اند و انسان مسلمان نباید به آنها نزدیک شود. برخی مشاغل نیز با اینکه حرام نیستند، ولی از مسلمانان خواسته شده آنها را نپذیرند. این مشاغل مکروه‌اند مانند دلالی. در مقابل، این جهان بعضی مشاغل و حرفه‌هارا تشویق و افراد را برای اشتغال به آنها ترغیب می‌کند. این دسته مشاغل مستحب‌اند؛ مانند زراعت.

انسان باید مراقب عواملی باشد که در تربیت و هویت‌یابی او مؤثرند. شغل فرد، یکی از عوامل تأثیرگذار است. اساس منع و ترغیب اسلام نسبت به مشاغل و حرفه‌ها، آثار مخرب یا سازنده

این حرفه‌ها بر تربیت و هویت انسان‌هاست. اسلام، برخی شغل‌ها را تحسین می‌کند؛ زیرا انسان‌سازند و برخی حرفه‌ها را مذمّت می‌کند؛ زیرا مخرب انسان‌اند. اسلام، تربیت انسان‌های متعالی را هدف آفرینش می‌داند و برای تحقق آن، مراقبت‌های ویژه‌ای را اعمال می‌کند.

گفت و گو کنید

تغییرات هویتی تا چه زمانی مورد تأیید و تشویق جامعه قرار می‌گیرند و از چه زمانی با مخالفت جامعه و مجازات‌های اجتماعی رو به رو می‌شوند؟

خلاصه کنید

- فرصت‌های پیش روی افراد برای تحرک اجتماعی در جوامع مختلف، یکسان نیست.

مفاهیم اساسی

..... تحرک اجتماعی

آنچه از این درس آموختیم



تحولات هویتی جامعه

درس هفتم

جامعه چگونه دچار تحولات هویتی می‌شود؟

هویت اجتماعی افراد محصول عضویت گروهی آنهاست؛ برای مثال شهری، روستایی و عشایری بودن ما، نتیجه عضویت ما در یک شهر، روستا یا ایل است. هر جامعه‌ای هم هویت خاصی دارد که از آن با عنوان هویت فرهنگی آن جامعه یاد می‌شود. هویت فرهنگی جامعه چه تفاوتی با هویت اجتماعی افراد دارد؟ هویت فرهنگی جامعه چگونه متحول می‌شود؟

هویت فرهنگی هر جامعه براساس عقاید و ارزش‌های اجتماعی آن شکل می‌گیرد؛ یعنی، هرگاه اعضای یک جامعه، عقاید و ارزش‌هایی را پذیرند و به رسمیت بشناسند، هویت فرهنگی آن جامعه پدید می‌آید.

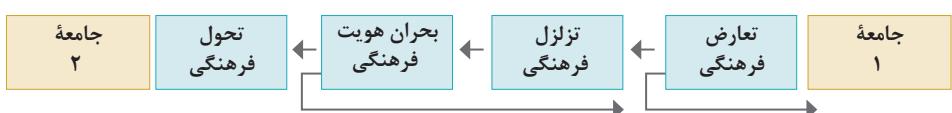
هویت فرهنگی جامعه، گسترده‌تر از هویت اجتماعی افراد است. هویت اجتماعی افراد در پرتو هویت فرهنگی جامعه و متناسب با آن شکل می‌گیرد. هویت فرهنگی جامعه، فرصت شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی متناسب با خود را پدید می‌آورد و در برابر انواع هویت‌های اجتماعی که با عقاید و ارزش‌های آن ناسازگار باشند، مقاومت می‌کند.

هویت فرهنگی جامعه تا زمانی دوام می‌آورد که عقاید و ارزش‌های مربوط به آن مورد پذیرش اعضای جامعه و برای آنها مهم باشد. هرگاه عقاید و ارزش‌ها، اهمیت و اعتبار خود را نزد اعضای یک جامعه از دست بدنهند، تداوم هویت فرهنگی آن جامعه با چالش‌هایی مواجه می‌شود.

آموختید که افراد می‌توانند هویت اجتماعی خود را تغییر دهند. تا زمانی که تغییرات هویتی افراد در چارچوب عقاید و ارزش‌های اجتماعی پذیرفته شده در جامعه اتفاق بیفتند و با هویت فرهنگی جامعه سازگار باشد، مورد تشویق و تأیید جامعه قرار می‌گیرد. برای مثال، فردی که با تلاش و پشتکار، موقعیت اجتماعی خود و دیگران را ارتقا می‌بخشد از طرف جامعه، تأیید و تشویق می‌شود. اما همیشه این گونه نیست. گاهی تغییرات هویتی افراد مطابق عقاید و ارزش‌های جامعه نیست و شیوه‌هایی از زندگی را به دنبال می‌آورد که با عقاید و ارزش‌های جامعه ناسازگار است. این وضعیت اضطراب و نگرانی‌های اجتماعی فراوانی به دنبال دارد. اگر این وضعیت یعنی شیوه ناسازگار با عقاید و ارزش‌های جهان اجتماعی ادامه پیدا کند، عقاید و ارزش‌هایی که هویت فرهنگی جامعه را می‌سازند، مورد تردید قرار می‌گیرند و ثبات خود را در زندگی مردم از دست می‌دهند. در نتیجه تداوم چنین وضعیتی، جامعه دیگر نمی‌تواند از عقاید و ارزش‌هاییش دفاع کند و آنها را حفظ نماید. در این صورت، راه برای تحول هویت فرهنگی جامعه باز می‌شود و جامعه به جامعه‌ای دیگر تبدیل می‌گردد در این صورت هویت آن متحول می‌شود.^۱

به نظر شما، تحول فرهنگی مثبت است یا منفی؟ آیا راهی برای ارزیابی تحولات فرهنگی وجود دارد؟

۱- این مراحل در جامعه‌شناسی به ترتیب تعارض فرهنگی، تزلزل فرهنگی، بحران هویت فرهنگی و تحول فرهنگی نامیده می‌شوند.



تحولات فرهنگی می‌توانند مثبت یا منفی باشند. اگر فرهنگی که دچار تحول می‌شود، فرهنگی باطل باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ حق باشد، تحول فرهنگی مثبت است، اما اگر فرهنگی که اعتبار اجتماعی خود را از دست می‌دهد، فرهنگ حق باشد و جهت تغییرات به سوی فرهنگ باطل باشد، تحول فرهنگی منفی است. تحول جامعهٔ جاهلی به جامعهٔ نبوی، تحول فرهنگی مثبت و تحول جامعهٔ نبوی به جامعهٔ اموی، تحول فرهنگی منفی است.

آیا می‌دانید چرا این تحولات رخ می‌دهند و علل بروز آنها چیست؟

علل تحولات فرهنگی به دو دستهٔ درونی و بیرونی تقسیم می‌شوند.

علل درونی یا به ابداعات و نوآوری‌های مثبت و منفی افراد جامعهٔ مربوط می‌شود، یا به کاستی‌ها و بن‌بست‌های موجود در فرهنگ جامعه باز می‌گردد. برای مثال، اگر فرهنگ یک جامعهٔ توان پاسخ‌گویی به نیازهای طبیعی و جسمی یا فطری و معنوی انسان‌ها را نداشته باشد، آن جامعه نشاط زندگی را از دست می‌دهد و گرفتار یأس و نالمیدی می‌شود. این کاستی‌ها و بن‌بست‌ها، متکران و مصلحان اجتماعی را به بازاندیشی در فرهنگ جامعه و بنیان‌های عقیدتی و ارزشی آن فرا می‌خواند و زمینه را برای تحولات فرهنگی فراهم می‌کند.



■ برخی فرهنگ‌ها، نیازهای جسمی انسان را نادیده می‌گیرند.

علت بیرونی تحولات فرهنگی، روابه‌رو شدن و ارتباط جوامع با یکدیگر است، اما آیا هر ارتباطی میان جوامع به تحول فرهنگی منجر می‌شود؟

ارتباط جوامع مختلف با یکدیگر متداول و پذیرفته است. این ارتباط می‌تواند شکل‌های مختلفی داشته باشد. گاهی روابط در محدودهٔ نمادها، هنجارها و سبک‌های زندگی و گاهی در سطح عقاید و ارزش‌های اجتماعی است. گاهی ارتباط میان جوامع، زمینهٔ گسترش و پیشرفت یک جامعه را فراهم می‌آورد و گاهی به تحولات فرهنگی منجر می‌شود. به نظر شما، چه شکلی از ارتباط میان جوامع، تحولات فرهنگی را به دنبال می‌آورد؟

اگر یک جامعه با حفظ عقاید و ارزش‌های خود با جوامع دیگر ارتباط برقرار کند و در محدودهٔ هنجارها و سبک‌های زندگی، عناصری را از جوامع دیگر بگیرد و در صورت لزوم تغییرات لازم را در آنها پدید آورد، زمینهٔ گسترش و پیشرفت خود را فراهم می‌آورد. جوامع اسلامی

در سده‌های نخستین رویارویی با جوامع دیگر، با حفظ هویت فرهنگی خود به تعامل با آنها پرداختند و به همین سبب، عناصر سازگار با هویت فرهنگی خود را از آنها گرفتند و در موارد مورد نیاز به بازسازی آن عناصر فرهنگی پرداختند. مثلاً به دلیل اهمیت عقل و عقلانیت در اسلام، جوامع اسلامی در مواجهه با امپراتوری‌های یونان و روم، عناصر عقلی فرهنگ آنها را اخذ کردند. به تناسب فرهنگ توحیدی خود، در این دانش‌ها دخل و تصرف نمودند اما عناصر مشرکانه این دو فرهنگ را نپذیرفتند؛ مثلاً آثار فلسفی، پژوهشکی، ریاضی و نجوم آنها را ترجمه کردند ولی آثار تاریخی، ادبی، افسانه‌ها و اسطوره‌های آن را رها کردند.



الله‌های یونانی، زئوس، آتنا و... در یک اثر نقاشی که داستان تولد آتنا، خدای نگهبان آتن را روایت می‌کند.

■ متن سوگندنامه بقراط، پژوهش یونانی که داشت آموختگان رشته پژوهشکی، متوجه می‌شوند به آن وفادار باشند.

اگر جامعه‌ای در تعامل با جوامع دیگر بر عقاید و ارزش‌های خود پافشاری نکند و به مرور زمان، به عقاید و ارزش‌های خود پشت کند، دچار تحول فرهنگی می‌شود.

اگر این جامعه در مسیر تحول فرهنگی، عقاید و ارزش‌های جامعه دیگر را بپذیرد، به آن جامعه ملحق می‌شود، مانند مصر باستان و ایران باستان که در ارتباط با جوامع اسلامی، عقاید و ارزش‌های اسلامی را قبول کردند و به جوامع اسلامی ملحق شدند.



■ مدرسه قراوین در شهر فاس کشور مراکش در شمال قاره آفریقا؛ قدیمی‌ترین دانشگاه جهان که مدرک دانشگاهی اعطای می‌گردد است. گفته می‌شود که این عربی و این خلدون از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شده‌اند.

■ نماز عید قربان در جزیره بیوگیاکارتای اندونزی در جنوب شرق آسیا؛ مسلمانان جنوب شرق آسیا از طریق بازرگانان مسلمان با فرهنگ اسلامی آشنا شدند.

اما ممکن است یک جامعه در مواجهه با جامعه دیگر، ضمن پذیرش بخش‌هایی از فرهنگ آن جامعه هویت جدیدی به دست آورد؛ بدون اینکه عقاید و ارزش‌های جامعه مقابل را بپذیرد و به آن ملحق شود. مانند جوامع غربی که پس از رویارویی با جوامع اسلامی طی جنگ‌های صلیبی، بدون اینکه به جامعه و فرهنگ اسلام بپیوندد، تحولات هویتی پیدا کردند و از غرب مسیحی قرون وسطاً به غرب سکولار قرون جدید تبدیل شدند و هویت جدیدی پیدا کردند.

در تعامل و دادوستد فرهنگی، اعضای جوامع باید به طور فعال و خلاق و با توجه به نیازها و مسائل خود با یکدیگر روبرو شود. اما اگر اعضاً آن، مبهوت و مقهور فرهنگ دیگر شوند و در نتیجه، حالت فعال و خلاق خود را در گزینش عناصر فرهنگی آن جامعه از دست بدھند، جامعه آنها دچار «خودباختگی فرهنگی» می‌شود و در این صورت، عناصر فرهنگی جامعه دیگر را بدون تحقیق و گزینش می‌پذیرد. چنین جامعه‌ای به روش تقليدی عمل می‌کند و ارتباطش را با تاریخ و فرهنگ خود از دست می‌دهد؛ بنابراین، نه می‌تواند فرهنگ خود را تداوم ببخشد یا گسترش دهد و نه قادر است به جامعه دیگری که شیفته و مبهوت آن شده است، ملحق شود؛ از اینجا رانده و از آنجا مانده.

بسیاری از جوامع غیرغربی در رویارویی با جهان غرب، مبهوت و مرعوب قدرت اقتصادی و سیاسی غرب شدند و به همین سبب، دچار خودباختگی فرهنگی گشتند. خودباختگی جوامع غیرغربی در برابر جهان غرب را «غرب زدگی» می‌نامند.



■ اقدامات آناتورک در ترکیه: کشف حجاب، تغییر خط عربی به لاتین، تبدیل مسجد ایاصوفیا به موزه، لغو تقویم هجری، پخش اذان به زبان ترکی، انتشار اسکناس با نماد پان ترکیسم و ...

از خود بیگانگی فرهنگی چیست؟

علمی برای اینکه دانش آموزان را به مطالعه جغرافیا تشویق کند، می‌گفت: «اگر می‌خواهید گم نشوید، جغرافی بخوانید!» این عبارت کاملاً درست است؛ ولی انسان صرفاً موجودی مکان‌مند نیست که مکان را گم کند یاد را مکان گم شود. انسان موجودی زمانمند هم هست و ممکن است زمان را گم کند. برای اینکه زمان را گم نکند، باید تاریخ را بشناسد. انسان بُعد اجتماعی و فرهنگی هم دارد و باید جامعه و فرهنگ را هم به خوبی بشناسد تا آنها را گم نکند یا در آنها گم نشود. مهم‌تر آنکه انسان ممکن است خودش را گم کند. راستی، ما خود را چگونه بباییم؟ به تعبیر امام علی (ع): «خدا رحمت کند کسی را که بداند از کجا آمده، کجاست و به کجا می‌رود.»

همه‌این حالت‌های گم‌شدنی، نه تنها برای افراد، بلکه برای گروه‌ها، ملت‌ها، امت‌ها و جوامع نیز ممکن است. جوامع چگونه از خود بیگانه می‌شوند؟

در زبان فارسی «بیگانه» در مقابل «خودی» به کار می‌رود، اما در مواردی ممکن است انسان با خودش بیگانه شود؛ به این وضعیت از خودبیگانگی می‌گویند. نه تنها افراد، بلکه جوامع نیز ممکن است دچار از خودبیگانگی شوند که به آن «از خودبیگانگی فرهنگی» گفته می‌شود؛ به دلیل آنکه هویت جوامع را فرهنگ آنها تعیین می‌کند. از خودبیگانگی فرهنگی چه انواعی دارد؟ از خودبیگانگی فرهنگی دو معنای متفاوت دارد.

● اگر یک جامعه، فرهنگ تاریخی خود را فراموش کند، دچار «از خودبیگانگی تاریخی» شده است. جامعه خودباخته‌ای که در مواجهه با جامعه دیگر، هویت فرهنگی خود را از یاد می‌برد، به این معنای از خودبیگانگی گرفتار شده است.

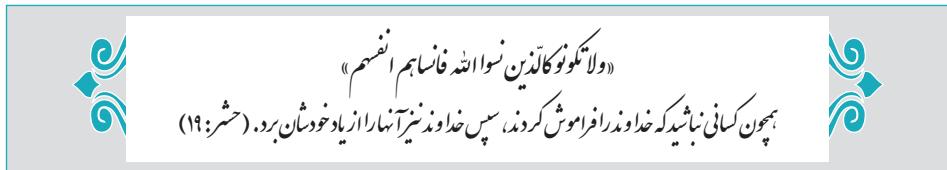
● اگر عقاید و ارزش‌های یک جامعه مانع آشنایی اعضای آن با حقیقت انسان و جهان شود، آن جامعه دچار «از خودبیگانگی حقیقی(فطري)» شده است.^۱

فرهنگ‌هایی که براساس فطرت انسان شکل نگرفته‌اند و از عقاید و ارزش‌های حق برخوردار نیستند، مانع آن می‌شوند که انسان‌ها به شناخت صحیح از عالم و آدم برسند. در جوامعی که چنین فرهنگی دارند، انسان‌ها از حقیقت خود و هستی دور می‌مانند. تصویری که این فرهنگ‌ها از انسان ارائه می‌دهند، نه خود حقیقت بلکه سرابی از حقیقت است؛ به همین سبب، آدمی در چنین جامعه‌ای حتی اگر از رفاه مادی برخوردار باشد، به آرامش نمی‌رسد بلکه به اضطراب و

۱- در صورتی که اعضای یک جامعه، واقعیت‌ها و آرمان‌های جامعه خود را فراموش نکنند و به آن احساس تعلق داشته باشند، آن جامعه دارای «هویت تاریخی» است و اگر واقعیت‌ها و آرمان‌های آن جامعه مطابق حق باشند، دارای «هویت حقیقی و فطري» است.

فطرت، مجموعه بینش‌ها و گرايش‌هایی چون حقیقت‌جویی، فضیلت‌خواهی، زیبایی دوستی، خلاقیت، عشق و پرستش در آفرینش انسان است که او را از سایر موجودات تمایز می‌کند. خداوند انسان را بر فطرت خویش آفریده است. فطرت آدمی و شکوفایی آن شدت و ضعف می‌پذیرد و امکان انحراف از آن نیز وجود دارد، ولی به طور کامل سرکوب و نابود نمی‌گردد.

تشویش گرفتار می‌شود و در نهایت، سر به عصیان و طغیان برمی‌دارد. از نظر قرآن کریم، انسان هنگامی می‌تواند حقیقت خود و جهان را بشناسد که به انسان و جهان نگاهی توحیدی داشته باشد. فراموش کردن خداوند سبب می‌شود که انسان خود را نیز فراموش کند.



بر اساس این نگاه، تنها فرهنگ توحیدی است که درهای آسمان و زمین را به روی انسان می‌گشاید و او را با حقیقت خود و جهان هستی آشنا می‌کند. فرهنگ اساطیری و فرهنگ دنیوی آدمی را نه تنها از حقیقت جهان بلکه از حقیقت خود نیز بیگانه می‌کند.



■ جشن هنر شیراز، مراسمی خارج از معیارهای اخلاقی بود که از سال ۱۳۴۶ در شیراز و به ریاست فرح پهلوی برگزار می‌شد و یکی از نشانه‌های ابتدال رژیم پهلوی و ترویج سیاست‌های غرب‌گرایانه بود. سفیر وقت انگلستان در ایران در خاطرات خود آورده است که به شاه گفتمن که اگر چنین نمایشی در شهر منچستر اجرا می‌شد، کارگرانان و هنرپیشگان جان سالم به در نمی‌بردند. شاه مدتی خندهید و چیزی نگفت. (خاطرات دو سفیر، ویلیام سویلیان و سر آنتونی پارسونز)

■ در تاریخ ۵۲ اسفند ۱۳۵۴ خورشیدی، با تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنای گاهشماری شاهنشاهی، تقویم رسمی کشور شد. در این مصوبه مبدأ تقویم خورشیدی از هجرت پیامبر اسلام به تاریخ تقریبی تاج گذاری کوروش تغییر یافت.

هم‌آندیشی کنید

از خودبیگانگی حقیقی و تاریخی چه ارتباطی با هم دارند؟ آیا اگر جامعه‌ای به یکی از معانی از خودبیگانگی دچار شود، ناگزیر به دیگری هم مبتلا می‌شود؟ یا ممکن است جامعه‌ای در یک معنا از خود بیگانه نباشد ولی در معنای دیگر از خود بیگانه باشد؟

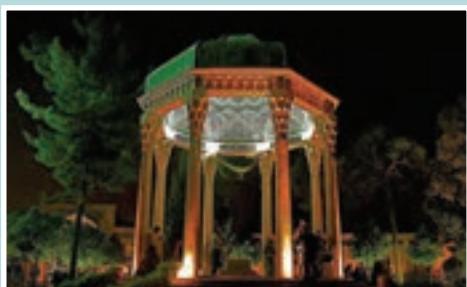
خلاصه کنید

- برخی جوامع اسلامی به از خود بیگانگی تاریخی دچار هستند در مقابل جوامع غربی از خود بیگانگی فطری دارند.

مفاهیم اساسی

غرب زدگی،

آنچه از این درس آموختیم



درس هشتم بعد فرهنگی هویت ایران

هویت ایرانی در گذر زمان چه تحولاتی به خود دیده است؟

افراد معمولاً خود را با ویژگی‌هایی مانند نام، سن، شغل، ثروت، قدرت، تبار خانوادگی، مهارت‌ها، علایق، هنرها، دانش، خلق، ایمان و اعتقاد می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. گروه‌ها، اقوام، ملت‌ها و امت‌ها نیز خود را با ویژگی‌هایی همچون سرزمین، جمعیت، اقتصاد، سیاست، تاریخ، فرهنگ و... می‌شناسند و به دیگران معرفی می‌کنند. ایران و ایرانی با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شوند؟ اسلام چه تأثیری در هویت ایرانی داشته است؟

جهان سربه سر زیر دست من است
نداشند شیر ژیان را به کس
به نیکی ندارند از بد هراس
کنام پلگان و شیران شود
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
جهان بر بداندیش، تنگ آوریم
از آن به که کشور به دشمن دهیم
چه نیکوتر از مرگ در کارزار

(فردوسي)

ندانی چو ایران نشست من است
هنر نزد ایرانیان است و بس
همه یکدلا ناند یزدان شناس
دربیغ است ایران که ویران شود
چو ایران نباشد تن من مباد
همه روی یکسر به جنگ آوریم
اگر سر به سر تن به کشتن دهیم
اگر گشت خواهد تو را روزگار

(فردوسي)

ایران سرزمینی است که بیش از هفت هزار سال قدمت دارد. در این سرزمین، همواره اقوام مختلفی زندگی کرده‌اند. هویت ایرانی قبل از ظهور اسلام، هویتی توحیدی، دینی و در مواردی آمیخته با اساطیر بود. روایتی از این هویت را در شاهنامه فردوسی می‌توان دید.

پیش از اسلام، اقوام مختلف ایرانی با آنکه هویت‌های قومی متفاوتی داشتند، در عقاید و ارزش‌های زرتشتی که با باورهای اساطیری درآمیخته بود، مشترک بودند و بر این اساس، هویت فرهنگی واحدی پیدا کرده بودند.

ایرانیان پس از آشنایی با اسلام، عناصر مشرکانه و اساطیری خود را کنار گذاشتند، به تفسیر توحیدی از هویت خویش دست یافتند و با پذیرش عقاید و ارزش‌های اسلامی، ایران به جهان اسلام ملحق گردید و هویت ایرانی بخشی از هویت جهان اسلام شد.

فارسی دَری از دیرباز به عنوان زبان سیاسی دربار ایران، زبان رسمی مشترک اقوام مختلفی بود که در سرزمین پهناور ایران زندگی می‌کردند. این زبان به دلیل مشارکت فعال ایرانیان در حیات فکری جهان اسلام، از محدوده زبان سیاسی مشترک اقوام ایرانی فراتر رفت و به عنوان زبان دوم جهان اسلام، نیز مرزهای امپراتوری‌های گورکانی و عثمانی را در نوردید و در مناطق مختلف جهان اسلام، از هندوستان و تبت تا آسیای صغیر و شبه جزیره بالکان، گسترش یافت. فردوسی، مولوی، سعدی، حافظ و دیگر حکیمان و شاعران ایرانی خدمات بی‌نظیری انجام دادند که موجب گسترش زبان فارسی در جهان اسلام شد. ایرانیان مسلمان معارف و هنرهایی تولید کردند که مسلمانان برای دستیابی به آنها نیازمند آموختن زبان فارسی بودند.

ماید برای رواج زبان فارسی در دنیا و گسترش جغرافیایی آن تلاش کنیم تا این زبان در موضع قدرت قرار بگیرد و بتواند بخش عظیمی از دنیت لذت‌شده عالم را که با خود به همراه دارد، بدنیا ارائه دهد. ملت ماید به جایی برسد که دانش پژوهان عالم برای اینکه به قله‌های علم دست پیدا کنند، مجبور باشد زبان فارسی یاد بگیرند. برای پیغام سال آینده برنامه‌ریزی کنید و هدف را این قرار بدهید که کشور شما کی از مراجع عمدہ و درج اول علمی دنیا بشود؛ به طوری که اگر کسی خواست بتازه‌های دانش آشنا شود، مجبور باشد زبان ملی شما را یاد بگیرد.

جوامع اسلامی، از جمله ایران، در طول تاریخ اسلامی خود با هجوم نظامی و سیاسی اقوام مختلف مواجه شده‌اند. جهان اسلام چگونه با این هجمه‌ها مقابله کرد؟ مسلمانان در سده‌های مختلف، یا مانند آنچه در جنگ‌های صلیبی گذشت، مهاجمان را دفع کردند و یا مانند آنچه در حمله مغول رخ داد، مهاجمان را درون فرهنگ خود جذب و هضم کردند. اما مواجهه فرهنگ جدید غرب با جوامع و فرهنگ اسلامی تجربه جدیدی است که هنوز به پایان خود نرسیده است.



■ به دستور غازان خوان شهادتین (الا الله الا الله، محمد رسول الله) بر دسوی سکه‌ها ضرب شد.



■ غازان خوان در حال قرائت قرآن، او هفتمین ایلخان از سلسله ایلخانیان ایران بود که با اسلام روی آورد و اسلام را دین رسمی اعلام کرد.

بخوانیم و بدانیم

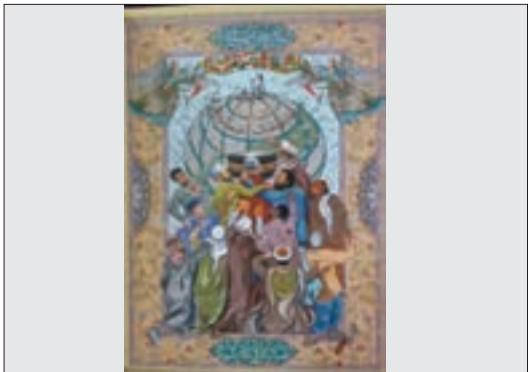
مسائل مشترک اسلام و ایران هم برای اسلام افتخارآمیز است هم برای ایران. دین اسلام به حکم محتواهی غنی خود ملتی باهوش و متمدن و صاحب فرهنگ را شیفته خود ساخته است و ملت ایران به حکم روح حقیقت خواه، بی‌تعصب و فرهنگ‌دوست خود، بیش از هر ملت دیگری در برابر حقیقت خضوع کرده و در راهش فداکاری نموده است. تمدن ایران قبل از اسلام یکی از پایه‌های تمدن اسلامی است. اسلام به تمدن ایران، حیاتی تازه بخشید و تمدن ایران جانی تازه و شکلی تازه گرفت. اسلام توحید را در متعالی ترین شکلش به ایرانی و غیرایرانی آموخت. اصل توحید را پایه اصلی قرار داد که علاوه بر مبنای فلسفی خود، محرك و مشوق فکر و اندیشه است. ایرانی در دوره اسلامی نبوغ فکری و علمی خود را در اعلی درجه نشان داد. ایرانیان در تولید علم و فرهنگ در تمدن اسلامی در رشته‌های قرائت و تفسیر، حدیث و روایت، فقه و فقاهت، کلام، فلسفه و حکمت، عرفان و تصوف، ذوق، احساس، هنر و فن از سرآمدان مسلمانان بودند. ایرانیان در نشر و تبلیغ، در سربازی و فداکاری برای اسلام خدمات بسیار شایانی کرده‌اند؛ خدماتی از روی صمیمیت، اخلاق و ایمان. ایرانیان شریعت اسلام را به کشمیر، هند، چین، جنوب شرق آسیا، آفریقای شرقی و مغرب و شمال آفریقا و از آنجا تا اندلس بردند. ایرانیان چندین برابر جمعیت خود، مردم سایر جوامع را مسلمان کرده‌اند. زبان فارسی بیش از هر چیز دیگری در خدمت اسلام بوده و این خدمات چهارده قرن دوام داشته است.

(خدمات متقابل اسلام و ایران، شهید مرتضی مطهری)

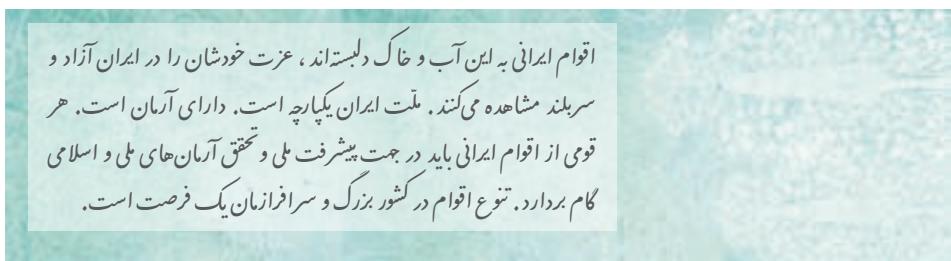
در نخستین رویارویی‌ها، قدرت سیاسی و نظامی جوامع غربی، جوامع اسلامی را به خود باختگی فرهنگی دچار ساخت و این امر سبب شد، تصویری که شرق‌شناسان و تاریخ‌نگاران غربی از هویت

جوامع اسلام القا می‌کردند، در بین جوامع اسلامی و از جمله در جامعه ایران رواج پیدا کند.

در دیدگاه مستشرقان^۱، هویت فرهنگی جوامع اسلامی، توحیدی یا اساطیری نیست، بلکه دنیوی است. این هویت در قالب عنوانین قوم‌گرایانه و ناسیونالیستی^۲ به ابعاد تاریخی و جغرافیایی محدود می‌شود و امت و ملت اسلامی را به اقوام مختلف، نظیر ترک و عرب و فارس، تقسیم می‌کند.



■ تابلو فرش ایرانی با موضوع وحدت مسلمانان که در آن اقوام و ملل مختلف مسلمانان را نشان می‌دهد؛ همگی به سمت خانه کعبه و آیه «واعتصموا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تُفْرُقُو» دست بلند کرده‌اند و بالاتر از پرچم کشورهای مسلمان، آیه «هذا امتكم امةً واحدةً» نقش بسته است.



متفسران ایرانی از دههٔ سی شمسی به بعد، در نقد رویکرد تقليیدی به فرهنگ غرب و هویت‌های کاذبی که از این طریق ساخته شده بود، کتاب‌های متعددی تدوین کردند که غرب‌زدگی، بازگشت به خویشتن، خدمات متقابل اسلام و ایران و همچنین فطرت از جمله آنهاست.

۱-مستشرقان یا شرق‌شناسان به جمعی از محققان غربی گفته می‌شود که از منظر فرهنگ غرب و بالا هدف و موضع غربی، جوامع شرقی و میراث فرهنگی آنها را مطالعه می‌کنند.

۲-ناسیونالیسم به مجموعه‌ای از باورها و نمادها گفته می‌شود که دلیستگی و تعلق خاطر به ملت و عناصر تشکیل‌دهنده آن از قبیل سرزمین، نژاد، قوم و زبان را اصل قرار می‌دهد و صرفاً تعلق خاطر به چنین عناصری، آرمان اساسی انسان‌ها محسوب می‌شود.

با مراجعه به کتابخانه یکی از کتاب‌های «غرب زدگی، اثر جلال آل احمد»، «بازگشت به خویشتن، اثر علی شریعتی» و یا «خدمات متقابل اسلام و ایران، اثر مرتضی مطهری» را امانت بگیرید و مطالعه کنید و نتایج مطالعات خود را به کلاس گزارش کنید.

امروزه رسانه‌ها و فضای مجازی با عبور از مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی جوامع، تعامل فرهنگی را از سطح محققان و مولدان فرهنگی به عموم کاربران و مصرف‌کنندگان فرهنگی منتقل کرده است و از سوی دیگر تعامل فرهنگی را از سطح نمادها و هنجره‌ها به عمق عقاید و ارزش‌ها می‌کشاند. بدین‌وسیله عقاید و ارزش‌ها و فرهنگ‌های توحیدی، اسطوره‌ای و دنیوی با کمیت و کیفیت نابرابر در دسترس همه قرار می‌گیرند و بدین ترتیب رسانه‌ها و فضای مجازی عرصه مهمترین منازعه هویتی می‌شوند.

فضای مجازی چه فرصت‌ها و تنگناهایی برای ساماندهی درست این منازعه هویتی دارد؟ ما برای پاسداری از هویت فرهنگی خود چه ظرفیت‌های بالقوه و بالفعلی داریم؟ برای حفظ و بسط هویت فرهنگی خودمان در سطح فردی و اجتماعی (محلي و ملي) منطقه‌ای و جهانی چه تکاليفی داریم؟ شما چه پیشنهاداتی دارید؟

انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایرانی دارد؟

انقلاب‌ها از مهم‌ترین تحولات در هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند. یکی از مهم‌ترین بحث‌ها درباره هر انقلاب، دستاوردها و بیامدهای آن است. پیامدهای انقلاب را به شیوه‌های مختلفی دسته‌بندی می‌کنند؛ مثلاً پیامدهای کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت، یا پیامدهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی. یکی از مهم‌ترین پیامدهای انقلاب، تحولات هویتی است. انقلاب اسلامی چه تأثیری بر هویت ایران و ایرانی داشته و تأثیرات هویتی آن بر جهان چه بوده است؟



آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران با آرمان‌های روسیه و روسیه متفاوت است. انقلاب ۱۹۱۷ روسیه با شعار زنان، صلح، زمین به سرنگونی روسیه تزاری و بریانی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی انجامید. شعار انقلاب فرانسه آزادی، برایری و برادری بود و به تغییر نظام سلطنتی به جمهوری منجر شد. با انقلاب اسلامی ایران، نظام شاهنشاهی به جمهوری اسلامی تغییر یافت.

برقراری روابط پایدار میان اعضای جامعه، نیازمند مکان و سرزمین است. مکان، زمینه ارتباط افرادی را که عقاید و ارزش‌های مشترک دارند، فراهم می‌آورد. بهمین دلیل برای مردمی که با هم زندگی می‌کنند، سرزمین یا وطن، ارزشی متفاوت از سایر مکان‌ها پیدا می‌کند و احساس خاصی در آنها به وجود می‌آورد، به گونه‌ای که گاه دفاع از آن را تا پایی جان وظیفه خود می‌دانند. سرزمین، بُعد جغرافیایی هویت جامعه را می‌سازد. افرادی که مدت زیادی با هم زندگی کرده‌اند، سرگذشت و سرنوشت مشترکی پیدا می‌کنند که به صورت خاطرهٔ جمعی و مشترک درمی‌آید و از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. این خاطره در گذر زمان، متراکم و مستحکم می‌شود و بُعد تاریخی هویت جامعه را می‌سازد.

انقلاب اسلامی ایران حاصل یک قرن مقاومت هویت اسلامی - ایرانی جامعهٔ ما در برابر هجوم فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غرب بود. بازگشت ایران به اسلام، صرفاً بازگشت به هویت تاریخی و جغرافیایی نبود بلکه بازگشت به هویت توحیدی و معنوی خویش بود. جامعه ایران به رهبری امام خمینی رض و با تکیه بر آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم السلام به هویت اسلامی خود بازگشت؛ تاریخ و جغرافیای خود را ذیل آسمان معنوی توحید قرار داد و به این ترتیب از مزهای جامعه ایمانی خود و در برابر جهانی که در مقابل او صف کشیده بود، به مدت هشت سال دفاع کرد. این مقاومت، در عرصه‌های مختلف تا امروز ادامه یافته است.



■ ای خدا!

من باید از نظر علم از همه برتر باشم تا مبادا که دشمنان از این راه مرا طعنه زنند. باید به آن سنگلاخی که به بیان علم به مردم فخر می‌فروشنند ثابت کنم که خاک پای من نخواهد شد، باید همه آن تیره دلان مغفور متنکر را به زانو درآورم آنگاه خود خاضع ترین فرد روی زمین باشم.

(شهید مصطفی چمران)

جامعه ایران با بازگشت به هویتی اسلامی خود، که هویتی مستقل، فعال و اثربار است، به قلب تپنده بیداری اسلامی^۱ تبدیل شد. اینک جوامع اسلامی دیگر با الهام گرفتن از انقلاب اسلامی ایران، هویت خود را بیرون از تصاویری که فرهنگ غربی القا می‌کرد، جستجو می‌کنند و به این ترتیب، اسلام به عنوان یک قطب فرهنگی^۲ جدید در جهان ظاهر می‌شود. انقلاب اسلامی ایران افق‌های جدیدی را به روی اندیشمندان جهان غرب نیز گشوده و نظریه پردازان غربی را که طی قرن بیستم، دنیوی شدن همه فرهنگ‌ها را سرنوشت مشترک و حتمی بشریت می‌دانستند، به تأمل در نظریات پیشین خود و بازبینی آنها فراخوانده است.

انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه سوسسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده است. شعارهای جهانی و فطری این انقلاب دینی یعنی آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری هیچ‌یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌ای بدتر خشد و در دوره‌ای دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل‌زده شوند. هرگاه دل‌زدگی پیش آمد، از روی گردانی مسئولان از این ارزش‌های دینی بوده است و نه از پایبندی به آنها و کوشش برای تحقق آنها ... انقلاب اسلامی ملت ایران قدرتمند اما مهربان و باگذشت و حتی مظلوم بوده است. در هیچ معرفه‌ای حتی با صدام و آمریکا گلوله اول را

شلیک نکرده و در همه موارد، پس از حمله دشمن از خود دفاع کرده و البته ضربت متقابل را محکم فرود آورده است. با صراحة و شجاعت در برابر زورگویان و گردنکشان ایستاده و از مظلومان و مستضعفان دفاع کرده است. این جوانمردی و مروت انقلابی، این صداقت و صراحة و اقتدار، این دامنه عمل جهانی و منطقه‌ای در کنار مظلومان جهان، مایه سربلندی ایران و ایرانی است و همواره چنین باد.



برگرفته از بیانیه
گام دوم انقلاب
رهبر انقلاب اسلامی

۱- بیداری اسلامی، مقاومت‌هایی به منظور حفظ عزت و استقلال جهان اسلام در برابر نفوذ و سلطه فرهنگ غرب است که ریشه در فرهنگ اسلامی دارد.

۲- کانون یا مرکزی که مردم جهان برای پاسخ به پرسش‌ها و نیازهای خود به‌ویژه پرسش‌های معرفتی و معنوی به آن رو می‌آوردند.



■ با اینکه در هیچ سند بین‌المللی، سطری درباره تحریم‌های دارویی نوشته نشده است اما در عمل، تحریم‌های دارویی، بیماران خاص ایرانی را با مشکلات جدی مواجه کرده است.

■ پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، کشورهای جهان را به دو دسته دارای سلاح هسته‌ای و فاقد این نوع سلاح تقسیم کرد و مطابق آن اعضای دائم شورای امنیت به‌طور رسمی صاحب سلاح هسته‌ای شدند.

تحلیل کنید



حجاب به عنوان نماد هویت جوامع اسلامی در صد سال اخیر فراز و فرودهایی داشته است. در دوران رضاخان، حجاب مسئله و معضل درون جامعه ایران بود و زنان مسلمان اجازه رعایت ضوابط دینی خود را نداشتند. اینک حجاب مسئله کشورهای اروپایی شده است و برخی از کشورهای اروپایی از ورود زنان با حجاب به مراکز آموزشی ممانعت می‌کنند. مسئله شدن حجاب در کشورهای اروپایی را با توجه به

هویت فرهنگی جوامع اسلامی تحلیل کنید.

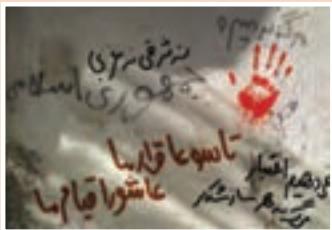
خلاصه کنید

- ایرانیان با مشارکت در حیات فکری جهان اسلام،
زبان فارسی را به زبان دوم جهان اسلام تبدیل کردند.

مفاهیم اساسی

..... هویت ایرانی اسلامی انقلابی،

آنچه از این درس آموختیم



بعد سیاسی هویت ایران

درس نهم

چه رابطه‌ای میان جامعه و نظام سیاسی آن وجود دارد؟

آیا پدیده‌هایی چون شناسنامه، گذرنامه، پرچم، روزها و جشن‌های ملی، مرزهای سیاسی، نیروهای مسلح، جنگ، صلح، سازمان‌ها و ادارات، دادگاه‌ها، شوراهای اسلامی شهر و روستا، روزنامه‌ها، رسانه‌ها، صداوسیما، احزاب و گروه‌های سیاسی، قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه، مجلس خبرگان، رهبری، قانون اساسی، شیوه‌های حکمرانی و... نشانی از هویت جامعه دارند؟ وجه اشتراک این پدیده‌ها چیست؟ هر جامعه علاوه بر هویت فرهنگی از هویت سیاسی نیز برخوردار است. به همین دلیل در معروفی هر جامعه از ویژگی‌های سیاسی از جمله نظام سیاسی آن نیز یاد می‌کنند. چه رابطه‌ای میان جامعه و نظام سیاسی آن وجود دارد؟

● قدرت و انواع آن

موجودی که بتواند کاری را با آگاهی و اراده خود انجام دهد، دارای قدرت است. انسان به دلیل اینکه کارهای خود را با آگاهی و اراده انجام می‌دهد، کنشگری قدرتمند است اما قدرت فردی انسان محدود است. او نمی‌تواند همه نیازهای خود را به تنهایی برآورده سازد و برای تأمین برخی از نیازهای خود، به کمک دیگران احتیاج دارد. قدرت اجتماعی هنگامی پدیدار می‌شود که انسان برای رسیدن به اهداف خود بتواند بر اراده دیگران تأثیر بگذارد و کار ارادی دیگران را به خدمت بگیرد. کسانی که توان تأثیرگذاری بیشتری بر اراده دیگران دارند، از قدرت اجتماعی بیشتری برخوردارند. علاوه بر افراد، نهادها، سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

به نظر شما چه راههایی برای تأثیرگذاری بر اراده دیگران وجود دارد؟



■ محمدصلاح، فوتبالیست مصری، آنقدر در میان مردم مصر محبوبیت دارد که در انتخابات ریاست جمهوری بدون اینکه نامزد شود، حدود یک میلیون نفر از مردم به او رأی داده بودند.



در سال ۱۹۸۰ م یک زن چینی به جرمیهای معادل ۲۰۰ دلار محکوم شد، چون مطابق قوانین، او اجازه نداشت که با داشتن یک فرزند، دویاره صاحب فرزند شود. علاوه بر این، نام کودک او تا چند سال در استاد رسمی به ثبت نرسید و کودک از ورود به مدرسه و استفاده از امکانات و تسهیلات دولتی محروم شد.

■ علاوه بر افراد، نهادها، سازمان‌ها و جوامع نیز دارای قدرت اجتماعی هستند.

قدرت مقبول و قدرت مشروع: قدرت اجتماعی بدون پذیرش و توافق دیگران پدید نمی‌آید؛ یعنی دیگران باید بپذیرند که مطابق آنچه از آنها خواسته می‌شود، عمل کنند. تنها راه تأثیر

گذاردن بر اراده دیگران و به خدمت گرفتن فعالیت ارادی ایشان، جلب تبعیت آنهاست. جلب تبعیت دیگران به دو صورت ممکن است.

تبعیت با کراحت؛ تبعیتی است که ناشی از تهدید و ترس باشد و تبعیت با رضایت؛ تبعیتی است که با رضایت و میل درونی همراه است.

قدرتی که بدون استفاده از تهدید و با رضایت طرف مقابل به دست می‌آید، دارای مقبولیت است و قدرتی که با مقبولیت همراه باشد و به صورت رسمی پذیرفته شده باشد، «اقتدار» نامیده می‌شود. به نظر شما قدرتی که دیگران با اکراه از آن تبعیت می‌کنند، تا چه زمانی می‌تواند تداوم داشته باشد؟



استالین، در تنها بیان داد. علی‌رغم تأخیر او برای خروج از اتفاق، هیچ‌کس جرئت نداشت در بینه و حالت را پرسید چون شب قبل گفته بود، کسی مزاحمش نشود. همه می‌ترسیدند اینها نقشه‌ای برای سنجش و فادراری آنها باشد.



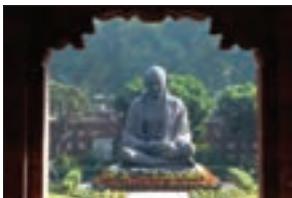
موقعیت‌های سیاسی و اقتصادی آلمان در زمان صدراعظمی هیتلر، سخنرانی‌های پرشور او بر ضد پیمان ورسای و ترویج ایده ملی‌گرایی، باعث محبوبیت هیتلر در میان مردم شد.

دانستید قدرتی که بدون استفاده از تهدید و رضایت تبعیت کنندگان به دست می‌آید، مقبولیت دارد، اما مشروع بودن قدرت معنای دیگری دارد.

بنابراین، مدار مقبولیت، خواست و اراده کسانی است که قدرت بر آنها اعمال می‌شود؛ اما مدار مشروعیت، حق و باطل بودن است. البته قدرت مشروع نیز انواعی دارد: اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد، مشروعیت حقیقی دارد، اما اگر موافق با ایدئولوژی‌های ساختگی بشری باشد، مشروعیت دروغین دارد.

مقبولیت و مشروعیت حقیقی می‌توانند باهم باشند و می‌توانند از یکدیگر جدا باشند. اگر قدرت مطابق قانون و حکم الهی باشد و تبعیت از آن نیز با رضایت و میل همراه باشد، قدرت هم مشروعیت حقیقی دارد و هم مقبولیت اجتماعی. هنگامی که قدرت برخلاف حکم

و قانون الهی باشد اما تبعیت از آن، از روی رضایت باشد، قدرتی مقبول ولی غیرمشروع شکل می‌گیرد. آیا در جامعه‌ای که فرهنگ مردم، فرهنگ دینی است، قدرت نامشروع می‌تواند مقبولیت داشته باشد؟



■ گاندی، رهبر مردم هند در مبارزه با استعمار انگلیس، مردم هند به اولتیق ماها تاما (روح بزرگ) و باپو (پدر ملت) داده‌اند.



■ مارتین لوئیس کینگ، رهبر پرنفوذ جنبش مدنی سیاهان آمریکا، در سخنرانی مشهور «رؤیابی دارم» از آرزوی خود برای احترام حقوق سیاهان سخن گفت.



■ رئیس‌علی دلواری، رهبر محبوب مردم تندگستان در قیام علیه استعمار انگلیس. ۱۲ شهریور به نام او روز ملی مبارزه با استعمار نام‌گذاری شده است.

بخوانیم و بدانیم

• قدرت سخت و قدرت نرم

قدرت را می‌توان به قدرت سخت و نرم نیز تقسیم کرد. قدرت سخت، قدرتی است که از طریق ابزارهای خشن، با زور و بطور آشکار، توسط نهادهای نظامی اعمال می‌شود، اما قدرت نرم به شکل پنهان و از طریق نفوذ فرهنگی، با کمک ابزارهایی مانند رسانه‌ها و نهادهای آموزشی اعمال می‌شود.

در گذشته قدرت سخت یک کشور موجب سلطه سیاسی و اقتصادی بر سایر کشورها می‌شد، اما امروزه قدرت نرم سبب سلطه فرهنگی می‌شود.

نظام آموزشی کشورها از دیگر ابزارهای اعمال قدرت نرم است؛ یعنی یک کشور می‌تواند از طریق نفوذ در نظام آموزشی کشور دیگر، در آن کشور اعمال قدرت کند و فرهنگ و جهان‌بینی نسل‌های آینده‌ساز آن کشور را مطابق منافع و اغراض خود تغییر دهد.

در گذشته نبرد بین دولتها در قلمرو سرزمینی و با ابزار نظامی صورت می‌گرفت و رسانه‌ها خبر آن را منتشر می‌کردند، اما امروزه نبرد در حوزه فرهنگ و با ابزار رسانه صورت می‌گیرد و در گیری نظامی، اگر اتفاق بیفتد در ادامه جنگ فرهنگی رخ می‌دهد.

امروزه بسیاری از کنشگران فردی با استفاده از شبکه‌های اجتماعی، ارتباطات اجتماعی گسترهای در فضای مجازی دارند و به همین دلیل گاهی در مقایسه با دولتها تأثیرگذاری اجتماعی و فرهنگی بیشتری دارند؛ سلبریتی‌ها، ستاره‌های هنری، ورزشی و... از جمله این کنشگران فردی هستند که در برخی موارد می‌توانند جریان ساز شوند.

هنگامی که سلطه به شیوه فرهنگی اعمال شود بیشتر مورد رضایت و پذیرش قرار می‌گیرد؛ جامعه‌شناسان از این نوع سلطه به «هژمونی» تعبیر می‌کنند. سلطه هژمونیک از شیوه‌ها و

ابزارهای فرهنگی مانند هنر و رسانه برای مهندسی رضایت عمومی و توجیه برتری جویی خود استفاده می‌کند. برای نمونه رسانه‌های آمریکایی، اسلام‌هراسی را به عنوان شیوه‌ای برای بسط هژمونی آمریکا به کار می‌برند، تا مردم جهان را برای مقابله با اسلام راضی و همراه سازند.



■ سلبریتی به معنای ستاره و فرد مشهور است. ستاره‌ها سلبریتی‌شدن خود را مدیون رسانه‌ها هستند. رسانه‌ها نیز از طریق آنها در آمدزایی می‌کنند. سلبریتی‌ها گاهی جریان‌ساز شده و جنبش‌هایی به راه می‌اندازند.



■ ادوارد اسنودن اطلاعات طبقه‌بندی شده‌ای از برنامه‌های سری سیا را فاش کرد. این اطلاعات درباره جاسوسی از شخصیت‌ها و مردم عادی در مکالمات تلفنی، ایمیل و استفاده از موتورهای جستجوی اینترنت در کشورهای مختلف بود.

● نظام سیاسی و انواع آن

هرگاه قدرت برای رسیدن به هدفی معین سازمان پیدا کند، سیاست پدید می‌آید، زیرا سیاست، اعمال قدرت سازمان یافته برای دستیابی به هدفی معین است. سیاست در معنای عام خود، شامل هر نوع تدبیر و سازمان دادن قدرت است.

هر جامعه‌ای به تناسب هویت و فرهنگ خود، آرمان‌ها و ارزش‌های ویژه‌ای دارد و نمی‌تواند بدون سیاستی مناسب به ارزش‌ها و آرمان‌های خود دست یابد.

مجموعه سازوکارهایی که برای اعمال سیاست‌های جامعه وجود دارد، نظام سیاسی را شکل می‌دهد.

در یک جامعه، نظام سیاسی نمی‌تواند مستقل از نظام‌های دیگر مانند نظام فرهنگی، اقتصادی و... باشد؛ بلکه در تعامل با آنها قرار می‌گیرد. نظام سیاسی بر نظام‌های دیگر، به ویژه نظام فرهنگی اثر می‌گذارد و از آنها تأثیر می‌پذیرد.

نظام فرهنگی عقاید، ارزش‌ها و اصول حاکم بر نظام سیاسی را تأمین می‌کند و اگر عملکرد نظام سیاسی در جهت عقاید و ارزش‌های فرهنگی جامعه باشد، نظام فرهنگی، مقبولیت دارد؛ اما اگر نظام سیاسی به دلایل داخلی و یا تحت تأثیر و فشار عوامل خارجی، از اصول و ارزش‌های فرهنگی خود عدول کند، نظام فرهنگی مقبولیت نظام سیاسی را کاهش می‌دهد.

نظام سیاسی نیز اگر به ارزش‌های فرهنگی جامعه و فدار بماند، با استفاده از مدیریت سیاسی خود، به بسط و توسعه فرهنگ کمک می‌کند و اگر از ارزش‌ها و آرمان‌های جامعه دور شود زمینه بحران‌های فرهنگی و هویتی را فراهم می‌سازد. به نظر شما چه رابطه‌ای میان نظام اقتصادی و نظام سیاسی وجود دارد؟

گفته شد که جامعه دارای هویت سیاسی است. جامعه با پذیرش یک نظام سیاسی خاص، هویت سیاسی پیدا می‌کند. با چه ملاک‌هایی می‌توان نظام سیاسی را دسته‌بندی کرد و چه انواعی برای نظام سیاسی وجود دارد؟



■ شعار جمهوری فرانسه بر سردر یک کلیسا پس از قانون سال ۱۹۰۵ م مبنی بر جدایی دین از سیاست. با تشکیل اتحاد جماهیر شوروی، مزرعه‌داری دولتی و مزرعه‌داری اشتراکی به عنوان دو شیوه پیشبرد اقتصاد کشاورزی، رایج شدند.

* نظام‌های سیاسی را می‌توان براساس ملاک‌های گوناگون به انواع مختلفی دسته‌بندی کرد.

الف) بر اساس تعداد افراد تأثیرگذار و تصمیم‌گیرنده؛ با این ملاک، نظام‌های سیاسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

- نظام‌هایی که در آنها یک فرد حاکم است و تصمیم می‌گیرد؛
- نظام‌هایی که در آنها اقلیتی تصمیم‌گیرنده است؛
- نظام‌هایی که در آنها اکثریت مردم در سرنوشت سیاسی خود تأثیرگذارند.



ب) بر اساس روش تصمیم‌گیری؛ با این ملاک، نظام‌های سیاسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: نظام‌هایی که در آنها حاکم یا حاکمان براساس اهداف و اغراض و امیال خود تصمیم می‌گیرند؛ یعنی هر نوع تصمیمی را برای خود جایز می‌دانند یا آنکه حاکم یا حاکمان براساس حقیقت و فضیلت و با توجه به موازین عقلی تصمیم می‌گیرند.

ج) براساس دین‌مداری یا دنیامداری؛ نظام‌های سیاسی دینی بر مدار احکام و قوانین الهی سازمان می‌یابد. نظام سیاسی فقط ارزش‌ها و آرمان‌های دنیوی و این‌جهانی را مدنظر قرار می‌دهد.

ارسطو از این دو ملاک اول و دوم برای دسته‌بندی نظام‌های سیاسی استفاده می‌کند و از شش نوع نظام سیاسی نام می‌برد.^۱ در سه نوع از این نظام‌های سیاسی، یک فرد، یک اقلیت یا اکثریت براساس خواسته‌ها و تمایلاتشان بر جامعه حکومت می‌کنند و در سه نوع دیگر، حکومت یک فرد، اقلیت یا اکثریت بر حقیقت و فضیلت استوار است.

ارسطو، حاکمیت اکثریت را در صورتی که بر مدار خواسته‌های آنها باشد، دموکراسی می‌نامد؛ زیرا دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است و در این نوع حاکمیت، مردم براساس خواسته‌ها و تمایلات خود حکومت می‌کنند.

او حکومتی را که در آن اکثریت مردم براساس حقیقت و فضیلت حضور و فعالیت دارند، جمهوری می‌خواند. او بین حکومت جمهوری و دموکراسی تفاوت می‌گذارد.

فارابی در گونه‌شناسی نظام‌های سیاسی علاوه بر دو ملاک پیش گفته، ملاک سوم را نیز درنظر می‌گیرد. در دسته‌بندی فارابی از نظام سیاسی، مدینه فاضله جامعه‌ای است که براساس قوانین الهی شکل می‌گیرد. او جوامعی را که آرمان‌ها و ارزش‌هایشان الهی و عقلانی نباشد جوامع جاهله می‌نامد و آنها را به اقسامی تقسیم می‌کند.

گفت و گو کنید

درباره تفاوت جمهوری و دموکراسی از دیدگاه ارسطو گفت و گو کنید.

۱- دسته‌بندی ارسطو از انواع حکومت‌ها:

تعداد حاکمان	روش حکومت	براساس خواست و میل حاکم	براساس حقیقت و فضیلت
فرد		استبدادی	مونارشی
اقلیت		اُلیگارشی	آریستوکراسی
اکثریت		دموکراسی	جمهوری

لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟

لیبرال دموکراسی و جمهوری اسلامی دو نوع نظام سیاسی شناخته شده در دنیا امروز هستند. درباره این دو نظام سیاسی چه می‌دانید؟

لیبرالیسم به معنای مباح دانستن همه امور برای انسان‌هاست و دموکراسی به معنای حاکمیت مردم است. لیبرال دموکراسی نوعی نظام سیاسی است که ادعا می‌کند با خواست و اراده اکثریت مردم سازمان می‌یابد. این نظام سیاسی هیچ حقیقت و فضیلتی را به‌رسمیت نمی‌شناسد و حکومتی دنیوی و این جهانی است. این نظام سیاسی با فرهنگ جدید غرب که رویکردی دنیوی به عالم هستی دارد، سازگار است.

جمهوری اسلامی یا مردم‌سالاری دینی، نوع دیگری از نظام سیاسی است که در جهان اجتماعی اسلام مورد توجه قرار گرفته است. عنوان «جمهوری» در این ترکیب به معنای به‌رسمیت شناختن حضور مؤثر مردم در نظام سیاسی است و کلمه «اسلامی» نشان‌دهنده این است که فعالیت‌ها بر اساس عقاید و ارزش‌های اسلامی سازمان پیدا می‌کنند. در این نظام سیاسی، قوانین و مقررات با خواست مردم و ذیل اراده و مشیت الهی شکل می‌گیرند. عبودیت، عدالت، استقلال، آزادی، نفی وابستگی، نفی تسلط بیگانگان بر امت اسلامی، امنیت، تأمین اجتماعی، عمران و آبادانی، عقلانیت، مشورت و مشارکت در امور عمومی و ارتقاء معرفت و آگاهی، از جمله ارزش‌های اجتماعی اسلامی هستند.

در نگاه اسلامی، اغلب این ارزش‌ها با آنکه ناظر به مسائل اجتماعی دنیوی هستند، تفسیر دنیوی ندارند، بلکه سیرتی الهی و دینی دارند؛ بنابراین، دستیابی به آنها وظیفه‌ای الهی است و نه تنها منجر به بهبود زندگی اجتماعی می‌شود بلکه مانند سایر عبادات، موجب تقرب انسان به خداوند نیز می‌شود.

در آموزه‌های اسلامی عبادات هنگامی که بعد اجتماعی وسیع‌تری پیدا می‌کنند، ارزش بیشتری می‌یابند. در برخی از روایات، مسئولیت متقابل امت و امام، مهم‌ترین مسئولیت دانسته شده است. امت اسلامی باید از پذیرش طاغوت و قدرت‌های غیرالهی خودداری کند و در شکل‌گیری امامت و ولایت الهی براساس موازین و ارزش‌های اسلامی هوشمند و فعال باشد.

مقایسه کنید

حضور مردم در یک حکومت لیبرال دموکراسی چه تفاوتی با حضور مردم در جمهوری اسلامی دارد؟

خلاصه کنید

- عدالت، استقلال، آزادی، عمران و آبادانی و تأمین اجتماعی از جمله ارزش‌های جمهوری اسلامی هستند.

مفاهیم اساسی

جمهوری اسلامی،

آنچه از این درس آموختیم



ابعاد جمعیتی و اقتصادی هویت ایران

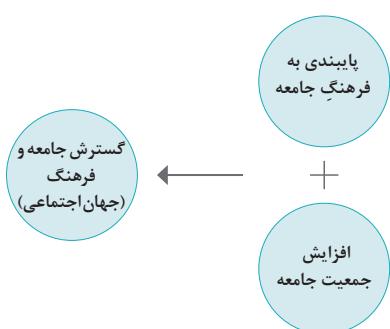
درس دهم

جمعیت هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

در معرفی جوامع به ویژگی‌های جمعیتی آنها مانند تعداد جمعیت، جوان و پیر، شهری و روستایی، بیکار و شاغل بودن جمعیت و... اشاره می‌کنند. چراکه جمعیت هر جامعه بخشی از هویت آن محسوب می‌شود.

اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است. اگر اعضای یک جامعه از بین بروند، آن جامعه نابود می‌شود. در صورت نبود یا کمبود جمعیت، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر زمین می‌ماند، اما آیا اندازه جمعیت به تنها یک برای بقا و رشد یک جامعه کفایت می‌کند؟ آیا یک جمعیت غیرمسئول و بی تفاوت می‌تواند نیازهای جامعه را برطرف سازد؟ به نظر شما جمعیت هر جامعه، بر ثروت، امنیت، قدرت و منزلت آن در میان سایر جوامع چه تأثیری دارد؟ جمعیت یک جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

برای پی بردن به رابطه جمیعت و هویت جامعه برخی از مطالب کتاب را مرور کنید. دانستید به مجموعه آگاهی‌ها و معانی مشترکی که جامعه براساس آن ساخته می‌شود، فرهنگ می‌گویند و اینکه هویت هر جامعه براساس فرهنگ آن (عقاید و ارزش‌ها) شکل می‌گیرد. بسط و گسترش یک جامعه از طریق گسترش فرهنگ آن صورت می‌گیرد. راه گسترش هر فرهنگ، شناختن (اندیشیدن)، پذیرفتن و عمل کردن به آن است. شناخت فرهنگ، پذیرش و عمل به آن صرفاً از عهده افراد و اعضای جامعه بر می‌آید. اعضای جامعه، حامل فرهنگ و عامل به آن هستند. هرچه حاملان و عاملان یک فرهنگ و معانی آن بیشتر باشند، آن فرهنگ بیشتر گسترش می‌یابد.



حالتی را تصور کنید که یک جامعه تمام اعضاش را از دست بدهد. آیا اثرباری از زندگی و بقا برای آن باقی می‌ماند؟ افزایش جمیعت یک جامعه زمینه‌ساز گسترش فرهنگ آن است. کاهش جمیعت یک جامعه نیز به محدود شدن گستره فرهنگ آن منجر می‌شود و امکان تسلط جوامع و فرهنگ‌های دیگر بر آن جامعه را فراهم می‌آورد. از این‌رو تأمین جمیعت مناسب برای یک جامعه، مسئله‌ای هویتی است.

بخوانیم و بدانیم



به خاطر دارم که چند سال پیش، یک روز پدرم پاکتی را به من داد که روی آن نوشته شده بود «سناد خانوادگی». درون پاکت شجره‌نامه‌ای به چشم می‌خورد. شجره‌نامه‌ای مثل همه شجره‌نامه‌ها، که نشان می‌داد مثلاً ساموئل در سال ۱۸۲۷ متولد شده و در سال ۱۸۸۱ از دنیا رفتته است، نام او با خطی به نام ماریا که همسر او بوده وصل شده بود و در زیر نام آن دو، خطوط شاخه شاخه‌ای به چشم می‌خورد که دخترها و پسرها یشان را نشان می‌داد و بعد نوه‌ها و نسل‌های بعدشان را. خطوط را دنبال کردم تا به نام پدر و مادرم و خودم رسیدم. به این فکر می‌کردم که این افراد که بوده‌اند، چگونه روزگار گذرانده‌اند و اصلاً زندگی‌شان چه فایده‌ای داشته است؟ آنگاه به یاد آیاتی در عهد عتیق افتدام که در آنها به ترتیب نام

افرادی نه چندان شناخته شده می‌آید و در نسل هشتم به نام داود^{علیه السلام} می‌رسد و این گونه از او یاد می‌کند که «او پادشاهی بزرگ بود و برگزیده خداوند». فکر می‌کنم اگر این شجره در جایی قطع شده بود، داودی پدید نمی‌آمد. اگر اجداد من هم نبودند، من متولد نمی‌شدم و اگر من به دنیا نیامده بودم، فرزندان و نوادگانم پا به این دنیا نمی‌گذاشتند. کسی چه می‌داند شاید هدف از تولد من، پیدایش کسی به بزرگی و سروری داود در نسل‌های آینده من باشد. شاید یکی از فرزندان یا نوادگان من آدمی بزرگ بشود. چه حس خوشایندی! حتی اگر کسی به یاد نیاورد که من که بوده‌ام و چه کرد‌هایم، همین قدر که من عبوری باشم برای گذر آیندگانی که شاید داودی در میانشان باشد، کاری بزرگ است و البته بس دشوار. باید سعی کنم این دنیا را خراب نکنم؛ آن را اندکی اصلاح کنم و به بهتر از آنچه به من داده شده، تبدیل نمایم یا حداقل سعی کنم آن را خراب نکنم و دست‌نخورده تحويل آیندگان بدhem تا زندگی ام بی‌ثمر نبوده باشد. آن وقت، آیندگانم از من به نیکی یاد خواهند کرد؛ حتی اگر نامم را ندانند یا وقتی آن را در شجره‌نامه خانوادگی می‌بینند، به نظرشان چندان شناخته شده نباشد.

(همه کیمی‌گریم، چارلز هندی)

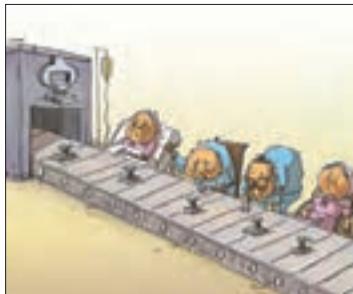
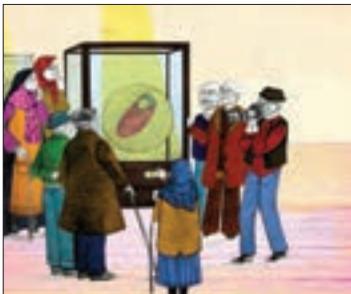
هدف اسلام گسترش فرهنگ اسلامی و توحیدی است. لازمه تحقق این هدف، داشتن جمعیت مناسب است؛ بنابراین اگر فرهنگی که با افزایش جمعیت بسط می‌یابد، فرهنگ حق باشد نه فرهنگ باطل و همچنین، افراد و اعضای آن فرهنگ حاملان و عاملان فرهنگ حق باشند، افزایش جمعیت ضروری است؛ بدین ترتیب هم کمیت جمعیت (تعداد لازم و کافی) و هم کیفیت جمعیت (حامل و عامل فرهنگ) در بسط و تداوم هویت فرهنگی یک جامعه مؤثرند.

پیامبر اسلام صلوات اللہ علیہ و آله و سلم، روز محشر به کثرت پیروان خود مباحثات می‌کند.

آیا می‌دانید جوامع مختلف برای تأمین جمعیت مطلوب خود چه می‌کنند؟ به نظر شما جامعه ما از نظر جمعیتی چه وضعیتی دارد؟

فرزندآوری نیاز فطری انسان‌ها و تأمین جمعیت از کارکردهای مهم خانواده است. ولی ممکن است که در مواقعي اختلال در خانواده، جامعه را با کاهش جمعیت مواجه کند. امروزه جوامع غربی به دلایلی مانند بالارفتمن سن ازدواج، افزایش بی‌ثباتی، فروپاشی خانواده‌ها و طلاق، رفاه‌زدگی، مصرف گرایی و هزینه پنداشتن فرزندان، با مسئله کاهش جمعیت و عوارضی چون پیری و سالم‌نندی جمعیت مواجه‌اند.^۱

۱- قوم خانواده و فرزندآوری در گرو محبت، ایثار و فداکاری است. ولی با گسترش فردگرایی و اصالت لذت در جامعه، این محبت و ایثارگری کاهش می‌یابد که به فرزندآوری کمتر و کاهش جمعیت و فرو افتادن جامعه در چاله جمعیتی می‌انجامد.



■ سالمندی جمعیت، بحرانی است که اگر ظاهر شود، به سادگی علاج ندارد.



■ سالمندی جمعیت از مهم‌ترین بحران‌های قرن بیست و یکم است.

وقتی یک جامعه با کاهش یا افزایش جمعیت مواجه می‌شود، نظام سیاسی آن برای حل مشکل جمعیت چاره‌اندیشی می‌کند و با همراهی و همکاری مردم تدبیر و راه حل‌هایی را به اجرا در می‌آورد که «سیاست‌های جمعیتی» نامیده می‌شود. سیاست‌های جمعیتی می‌تواند در جهت افزایش یا کاهش جمعیت باشد.

کشور ما، در دو برهه زمانی، سیاست‌های کاهش جمعیت را اجرا کرد؛ یک بار پیش از انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب به طول انجامید و میزان رشد جمعیت از حدود ۳/۱ به ۲/۷ درصد در سال کاهش یافت و دیگر بار، از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ سیاست کاهش جمعیت اتخاذ و اجرا شد که در نتیجه آن میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ به ۱/۳ درصد کاهش یافت.

کاهش بیش از حد و کم‌سابقه رشد سالانه جمعیت در سال‌های اخیر، تغییر و بازنگری در سیاست کاهش جمعیت را ضروری ساخت. در سال ۱۳۹۳ هـ.ش اصول کلی سیاست‌های جمعیتی کشور تصویب شد که در آن به ضرورت‌هایی از جمله افزایش جمعیت، جوانی جمعیت، حمایت از زوج‌های جوان و توانمندسازی آنان در تأمین هزینه‌های زندگی و تربیت نسل صالح و کارآمد، ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی ایرانی - اسلامی، فرهنگ‌سازی برای

احترام و تکریم سالمندان و بهره‌مندی از تجارب و توانمندی‌های ایشان، برنامه‌ریزی برای توزیع متعادل جمعیت در نقاط مختلف کشور و... توجه شده است.

گفت و گوکنید

به نظر شما تداوم روند کاهشی رشد سالانه جمعیت، برای کشورمان در آینده چه آثار زیان‌باری در پی دارد؟

اقتصاد هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟

افراد خود را کارآفرین، تولیدکننده، کارگر، کارمند، تاجر و... می‌کنند. همه‌ما مصرف‌کننده یا مالیات‌دهنده نیز هستیم ولی به دلیل اینکه ما را از دیگران متمایز نمی‌کند آن را به زبان نمی‌آوریم. برخی از افراد، کم‌فروشن، محترک، دلال و... هستند؛ ولی به دلیل ضدارزش بودن این کار خود را مخفی می‌کنند. آیا این عناوین همه، نشان‌دهنده هویت اقتصادی افراد نیست؟

آیا تنها می‌توان از هویت اقتصادی افراد سخن گفت؟ یا آنکه گروه‌ها، سازمان‌ها، کشورها و جوامع هم دارای هویت اقتصادی هستند؟ جوامع نیز هویت اقتصادی دارند از این‌رو در معرفی جوامع، به ویژگی‌های اقتصادی آنها اشاره می‌کنند؛ مثلاً از اقتصادهای دانش‌بنیان؛ تک‌محصولی (مانند اقتصاد نفتی)؛ مقاوم / شکننده؛ دستوری / غیردستوری؛ سرمایه‌داری / سوسیالیستی / اسلامی؛ و... یاد می‌کنند. ویژگی‌های هویت اقتصادی جامعه ما کدام‌اند؟

اقتصاد امروز مانعیجۀ رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ماست. این اقتصاد از سویی دستاوردهایی مانند گسترش بهره‌مندی مردم از آب، برق، گاز، ارتباطات و ایجاد زیرساخت‌هایی همچون سدها و نیروگاه‌ها، توسعه ظرفیت تولیدی، ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان، پیشرفت در صنایع هسته‌ای و نانو، بازسازی خسارت‌های ناشی از جنگ، جبران برخی عقب‌ماندگی‌های تاریخی، مقابله با تحریم‌ها، گسترش روحیۀ انفاق و توجه به مستضعفان و محرومان را در پی داشته است و از سوی دیگر با معضلاتی مانند تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر درآمد و امکانات، تجمل گرایی و مصرف گرایی دست به گریبان بوده است.

از جمله عوامل شکل‌گیری این اقتصاد در طول تاریخ معاصر ایران، کشف نفت و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت به خارجیان بوده است. اگرچه سرمایه‌های نفتی می‌تواند به انواع دارایی‌ها و ثروت‌ها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود اما اگر به درستی از آن استفاده نشود، می‌تواند اقتصادی وابسته ایجاد کند که رشد و افول آن، به قیمت و درآمد نفت وابسته است.

چنین اقتصادی به دلیل آنکه درآمدی هنگفت و بدون زحمت ایجاد می‌کند، باعث شکل‌گیری تولید ملی ضعیف و شکننده‌ای می‌شود که مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نفت است. دولت بزرگی به وجود می‌آید که می‌کوشد به کمک درآمدهای نفتی و نه رواج کسب و کار رفاه اقتصادی را تأمین کند.

این وضعیت می‌تواند در کوتاه‌مدت احساس رفاه بیشتری را آن هم با نوسانات زیاد برای مردم به ارمغان آورد؛ اما پایدار نیست. وضعیت شکننده‌ای را به وجود می‌آورد که زمینه سوءاستفاده قدرت‌های جهانی را فراهم می‌آورد. انواع تحریم‌های اقتصادی نفتی و مالی با همین رویکرد علیه کشور ما اتخاذ شده است تا اولاً درآمد نفتی کشور را محدود کنند؛ ثانیاً از انتقال آن به کشور ممانعت ورزند.



■ ایران در زمرة ده کشور برتر دنیا در
■ مجتمع تولیدی مپنا
عرضه نانو

غرب، هویت خود را براساس اقتصاد شکل می‌دهد و سرمایه‌داری عامل اصلی هویت‌یابی افراد و جوامع غربی است. هویت انسان‌ها و جوامع بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. همچنین آنها هیچ مانعی را بر سر راه اقتصاد خود برنمی‌تابند و شیوه‌های اقتصادی ناسازگار با اقتصاد سرمایه‌داری را در سراسر جهان نابود می‌کنند.



بنابراین برخی از کشورهای سلطه‌گر غرب که از سویی اقتصاد را اساس همه چیز می‌پندارند و از سوی دیگر، تمامی شیوه‌های اقتصادی غیراقتصادی را نابود شده می‌بینند، پاشنه آشیل

ایران اسلامی را اقتصاد می‌دانند؛ از این‌رو جنگ اقتصادی تمام‌عياری را علیه کشور ما به راه اندخته‌اند.

در چنین موقعیتی، راه نجات اقتصاد ایران و احیای هویت آن چیست؟ ایران اسلامی، آرمان بازسازی هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تعقیب می‌کند.

اقتصاد مقاومتی الگویی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با اعتقاد به تعالیم حیات‌بخش اسلام و تکیه بر دانش و فناوری و ظرفیت‌های مولد مردمی و دولتی، روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی و حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران امنیت، رفاه و پیشرفت همراه با عدالت؛ و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی-اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد.

تأمل کنید

حمایت از تولید ملّی یکی از راهکارهای تحقق اقتصاد مقاومتی است. اما آیا به معنای خرید چشم بسته کالای داخلی با هر کیفیت و قیمتی است؟ نه. حمایت از تولید ملّی یعنی کمک به صنعت کشور برای تولید کالایی با کیفیت و قیمت مناسب. ما، دولت و تولیدکنندگان هر کدام در این زمینه وظایفی داریم.

دولت می‌تواند با ارائه تسهیلات به تولیدکنندگان، ممنوعیت واردات کالاهایی که مشابه داخلی دارند، افزایش تعریفهای گمرکی بر کالاهای وارداتی و... از تولید ملّی حمایت کند. تولیدکنندگان باید سودجویی و فرستطلیبی را کنار بگذارند و خدمت به مردم و جامعه را هدفی مهم بدانند و... ما چگونه می‌توانیم از تولید ملّی حمایت کنیم؟

شما تا به حال از کدام کالاهای ایرانی حمایت کرده‌اید؟ چگونه؟ به نظر شما چرا بعضی ترجیح می‌دهند کالای خارجی مصرف کنند؟ شاید در نگاه اول این‌طور به نظر برسد که شما هنوز در انتخاب کالاهای مصرفی در خانواده‌تان نقش چندانی ندارید اما اگر کمی بیشتر فکر کنید، می‌بینید که این‌طور نیست. به علاوه، شما می‌توانید درباره ضرورت حمایت از کالای ایرانی با اعضای خانواده‌تان گفت و گو کنید و مطالبی را که در این درس خوانده‌اید، با آنها در میان بگذارید.

خلاصه کنید

- پیش از این کاهش جمعیت از جمله مسائل و مشکلات کشورهای غربی بود اما امروزه جامعه ما هم با این مسئله مواجه شده است.

مفاهیم اساسی

اقتصاد مقاومتی،

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۹۳) مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهاشم. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- آل احمد، جلال (۱۳۹۶) غرب‌زدگی. تهران: کلک زرین.
- آقابخشی، علی اکبر و افشاری راد، مینو (۱۳۸۷) فرهنگ علوم سیاسی. تهران: چاپار.
- ابرکرامی، نیکولاوس (۱۳۸۸) درآمدی بر جامعه‌شناسی. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی.
- ارسطو (۱۳۸۶) سیاست. ترجمه حمید عنایت. تهران: علمی و فرهنگی.
- افروغ، عmad (۱۳۸۷) هویت ایرانی و حقوق فرهنگی. تهران: سوره مهر.
- برگر، پیتر (۱۳۷۵) ساخت واقعیت اجتماعی. ترجمه فریبیز مجیدی. تهران: علمی فرهنگی.
- بودن، ریمون (۱۳۸۷) مطالعاتی در آثار جامعه‌شناسان کلاسیک. ترجمه باقر پرهاشم. تهران: مرکز.
- بودن، ریمون (۱۳۹۰) منطق کنش اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک گهر. تهران: توپیا.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۸۹) فاس شهر اسلام. ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند. تهران: حکمت.
- پارسانیان، حمید (۱۳۹۲) جهان‌های اجتماعی. قم: کتاب فردا.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱) هویت اجتماعی. ترجمه تورج یارمحمدی. تهران: شیرازه.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱) مفاتیح‌الحیا. قم: اسراء.
- دارندورف، رالف (۱۳۷۷) انسان اجتماعی. ترجمه غلامرضا خدیوی. تهران: آگه.
- داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۲) فارابی فیلسوف فرهنگ. تهران: ساقی.
- راسل، برتراند (۱۳۹۷) قدرت. ترجمه نجف دریابنده‌ی. تهران: خوارزمی.
- رفیعی آستانی، عطاء‌الله (۱۳۹۶) واقعیت و روش تبیین کنش انسانی در چهارچوب فلسفه اسلامی. تهران: آفتاب توسعه روشی، گی (۱۳۶۷) کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی‌زاده. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۴) نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه باقر پرهاشم. تهران: علمی.
- سو، الین (۱۳۷۸) تغییر اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاہری. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شریعتی، علی (۱۳۸۷) بازگشت به خویشتن. تهران: قومس.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۴) آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نی.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۹) آراء اهل مدنیه فاضله. ترجمه جعفر سجادی. تهران: طهورا.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۹) سیاست مدنیه. ترجمه جعفر سجادی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فی، برایان (۱۳۸۱) فلسفه امروزین علوم اجتماعی. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.
- کچوئیان، حسین (۱۳۸۴) تطورات گفتمان‌های هویتی ایران. تهران: نی.
- کرامپتون، رزماری (۱۳۹۶) طبقه و قشر بنده اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایبی. تهران: نی.
- کرایب، یان (۱۳۹۶) نظریه اجتماعی کلاسیک. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: آگه.

- کرایب، یان (۱۳۹۵) نظریه اجتماعی مدرن. ترجمه عباس مخبر. تهران: آگه.
- کوزر، لوئیس (۱۳۸۰) زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- کوئی، بروس (۱۳۹۴) درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: توپیا.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳) تجدد و تشخض. ترجمه ناصر موقیان. تهران: نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۶) جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نی.
- لگیت، مارلین (۱۳۹۲) زنان در روزگارشان. ترجمه نیلوفر مهدیان. تهران: نی.
- لیندولم، چارلز (۱۳۹۴) فرهنگ و هویت. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: ثالث.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۶) خدمات متقابل اسلام و ایران. تهران: صدرا.
- وبر، ماکس (۱۳۷۱) اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری. ترجمه عبدالالمعبد انصاری. تهران: سمت.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴) نظریه کنش ارتباطی. ترجمه کمال پولادی. تهران: روزنامه ایران.
- هندي، چارلز (۱۳۸۸) همه کيمياگریم. ترجمه سعید قاضی طباطبایي. تهران: هرمس.
- هيوز، استوارت (۱۳۸۶) آگاهی و جامعه. ترجمه عزت‌الله فولادوند. تهران: علمی و فرهنگی.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پژوهش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنگی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نوگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و علماً معرفتی مقدمه‌نگاری کند. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتواهای آموزشی و پژوهشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبردی دروس و مدیریت محترم پژوهه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتواهای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران و هنرآموزان شرکت کننده در اعتبارسنگی کتاب هویت اجتماعی – کد ۱۱۲۲۰

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی
۱	عبدالله عادلی‌راد	بوشهر	۱۸	مهریان ماندگاری	اصفهان		
۲	نسرين عزيزيان	کردستان	۱۹	زهرا موسوی	خراسان رضوی		
۳	لیلا شجاعی	خراسان جنوبی	۲۰	طلعت ابطالی	اصفهان		
۴	سعیده رحمانپور	آذربایجان شرقی	۲۱	صیاد گلشنی	آذربایجان غربی		
۵	شیوا مجد	کردستان	۲۲	عبدالله نجفی اصل	بوشهر		
۶	اسانه عسگری	مرکزی	۲۳	بیژن کاردوست	همدان		
۷	فرشته حیدریان	ایلام	۲۴	امران کیانی	قرمیان		
۸	سهیلا دباغی	همدان	۲۵	خدابخش چاکری	سیستان و بلوچستان		
۹	نسرين دروشی	خوزستان	۲۶	پروین نیک‌زمر	یزد		
۱۰	محمد علیزاده	ایلام	۲۷	لیلا کاخکی	هرمزگان		
۱۱	سید بهنام میرافضل	خوزستان	۲۸	محبوبه نورانی	سمنان		
۱۲	مژده قربانی‌زاده	گیلان	۲۹	ابراهیم حاج حسینی	هرمزگان		
۱۳	علی عبدالله‌زاده	گیلان	۳۰	علی ایمانی	شهر تهران		
۱۴	مریم اسماعیلی	خراسان شمالی	۳۱	زهرا خراسانی	قرمیان		
۱۵	محمد‌هادی نوابی فرد جهرمی	فارس	۳۲	اکبر جاهدی خسروشاهی	آذربایجان شرقی		
۱۶	عزم‌الله علی‌زاده	شهرستان‌های تهران	۳۳	احمدعلی باقری	مازندران		
۱۷	مریم یحیی‌زاده	اردبیل	۳۴	ولی آقا قلیزاده	اردبیل		

